

ازدواج کودکان اغلب به شکست منجر می‌شود



ازدواج زودهنگام، ازدواجی است که کمتر از سن ۱۸سال انجام می‌شود و دختر فرزندآوری آماده نیست و روان‌شناسان معتقدند ازدواج کودکان توأم با برخی خشونت‌هاست.

ازدواج کودکان به دلایل مختلفی مانند فرهنگ، سنت‌ها، فقر خانواده و موضوعات دیگری اتفاق می‌افتد. برخی

بیوگی به‌وقت کودکی

روایت شهرآرا از دخترانی که در نوجوانی طعم طلاق را می‌چشند

وقت درس خواندن، پنج‌پچه‌های دخترانه، خنده‌های ریز، تفریح و جوش‌های غرور نوجوانی‌اش است. از دور می‌بینم با دوست‌هایش بیگوخند می‌کند. سر ظهر است و حتماً از مدرسه برمی‌گردند. اما خیلی طول نمی‌کشد که متوجه می‌شوم نه‌تنها خبری از مدرسه نیست، بلکه او در نوزده‌سالگی، مادرِ یک دخترپچه پنج‌ساله است!

مطابق پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، افراد کمتر از ۱۸سال، «کودک» محسوب می‌شود. طبیعی است که ازدواج در سنین کودکی به‌دلیل سن کم و ناآگاهی از مفهوم و مهارت‌های زندگی، ممکن است نتیجه تلخی مانند طلاق در پی داشته باشد و اگر هم چنین نتیجه‌ای نداشته باشد، قطعاً برای کودک خوشایند نیست و در آینده، خاطره‌ای از کودکی‌اش نخواهد داشت که برای بچه‌های خود تعریف کند.

طبق آماری که فرشته سلجوقی، مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی، در سال گذشته مطرح کرده است، خراسان رضوی اولین استان در ازدواج کودکان، مادران خردسال و کودکان بیوه است. چندی پیش ازدواج دختری نه‌ساله با مردی سی‌وهشت‌ساله رسانه‌ای شد. ورود دادستانی به این موضوع، بدین معناست که کار از زنگ خطر نیز گذشته است و باید جدی‌تر به این موضوع پرداخت.

- معنی ازدواج را نمی‌دانستم

در یکی از کوچ‌پس کوچ‌های مهدی‌آباد او را پیدا می‌کنم. زیر چادارش، مقنعه‌سُر کرده است. ابروهای پهنش را تاتو کرده است، اما از چهره و ابروهایش که مرتب نیست، معلوم می‌شود دل و دماغی ندارد که به خودش برسد، درحالی‌که برای نوجوانان هم‌سن او، قیافه میهم است و هر روز وقت زیادی را پای آینه می‌گذرانند. بسا اینکه دل و دماغ رسیدن به خودش را ندارد، تا حرف از داستان زندگی و ازدواج می‌شود، کلامش قطع نمی‌شود.

۱۲سال بیشتر نداشت‌ه که به اجبار به عقد بستری که ۱۵سال از خودش بزرگ‌تر بوده است، درمی‌آید. هنوز پادش است چقدر گریه و پافشاری کرده که نمی‌خواهد ازدواج کند، اما هیچ‌گوش شنوایی برای حرف‌هایش نبوده است و به‌ناچار تسلیم تصمیم اجباری پدر و مادرش می‌شود. محبوبه، یک برادر بزرگ‌تر از خودش دارد که مجرد است. اما‌انگار قره‌ه برای ازدواج به نام او درآمده است. می‌گوید: زمان ازدواج خیلی گریه کردم، گفتم نمی‌خواهم ازدواج کنم چون اصلاً معنی ازدواج را نمی‌دانستم، اما فایده‌ای نداشت. شوهرم سزبان داشت و خانواده‌ام را گول زده بود.

محبوبه زودتر از آن چیزی که فکرش را بکند، ذهنش درگیر ازدواج و تشکیل خانواده می‌شود، بدون هیچ پیش‌بینی یا مقدمه‌ای. تا سیکل بیشتر درس نخوانده و بعد از آن شوهرش برای ادامه تحصیل به او اجازه نداده است. حدود یک سالی از عقد او و پسر غربی‌های که خیلی او را نمی‌شناختند و حتی بیکار بوده است، می‌گذرد که خانواده محبوبه از دامادشان شاکي می‌شوند که چرا به فکر عقد محضری، جشن گرفتن و رفتن سسر خانه و زندگی‌شان نیست؟ بحث بالای می‌گیرد. داماد عروس را رها می‌کند و می‌رود.

- بارداری درآستانه نوجوانی

او مدتی بعد، در آستانه نوجوانی متوجه می‌شود از شوهرش که رهایش کرده و رفته، باردار است. داستان

بر این باورند که دختر با لباس سفید به خانه بخت می‌رود و باید با کفن از آن خانه بیرون بیاید، یعنی تحت هیچ شرایطی طلاق ندارد. اما بعضی دیگر از خانواده‌ها نیز س طلاق را راه چاره‌ای برای حل مشکل

می‌بینند. اما در هر دو صورت، این کودکان هستند که آسیب می‌بینند و حتی ممکن است زندگی آینده‌شان به بن‌بست برسد.

در همین زمینه معصومه آقاپور علیشاهی، عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به

۲۴هزار بیوه کمتر از ۱۸سال در کشور گفت: کودک‌بیوه‌ها، فاجعه‌ای بزرگ برای کشورند. ازدواج کودکان برازنده جمهوری اسلامی نیست و سن ازدواج باید افزایش یابد.

وی فقر فرهنگی و اقتصادی را در ازدواج کودکان مؤثر دانست و بیان کرد: متأسفانه اغلب ازدواج کودکان به طلاق منجر می‌شود؛ البته محرومیت‌ها در روستاها نیز تأثیر زیادی در ازدواج کودکان دارد.



عکس تانین‌اسانت

بدون معطلی، دخترش را دست مردی

سی‌ساله سپرد. آن مرد اصلاً دوست

نداشتیم. شش‌په یک عروسک بودم که

باید لحظاتی‌اش را من بَرُ می‌کرد؛ به هر قیمتی حتی اذیت جنسی من. دوست‌نداشتم روزها شُب شوند و دوباره لمس دست‌های زمخت مردی را که از او وحشت و ترس داشتم، تحمل کنم؛ زندگی مشترک ما سه سال طول کشید. هرچه بزرگ‌تر و عاقل‌تر شدم، بیشتر از آن مرد متنفر شدم و از پدر و مادرم که من را از وسط کلاس دوم راهنمایی، مثلاً به خانه بخت فرستادند. در این مدت سه بار باردار شدم، اما هر بار دکتر گفت تن‌تحیف و ضعیف‌تو قادر به بارداری نیست. باید خودت را تقویت کنی. هر روز لاغرتر شدم و افسرده‌تر تا اینکه زبان ایستادن مقابل خانواده و شوهر را پیدا کردم.

کار را زدیم، اما حالا خیلی پشیمانم. واقعاً حیف است. دامادم خوب است، اما دخترم چیزی از زندگی متوجه نشد؛ خیلی زود بزرگ شد. حالا مانده هم می‌گوید من را در س عبرت کنید و مینا (دختر کوچک خانواده) را زود عروس کرده‌اند، من من می‌کند، انگار خودتی هم نمی‌داند چرا دخترش را زود عروس کرده است. می‌گوید: بیشتر اهالی مهدی‌آباد دخترهایشان را زود عروس می‌کنند. ما هم همین کار را زدیم، اما حالا خیلی پشیمانم. واقعاً حیف است. دامادم خوب است، اما دخترم چیزی از زندگی متوجه نشد؛ خیلی زود بزرگ شد. حالا مانده هم می‌گوید من را در س عبرت کنید و مینا (دختر کوچک خانواده) را زود عروس نکنید؛ بگذارید درسش را بخواند.

فامیل که بیوه هستند، ترسیده

است.

- دخترم خیلی زود بزرگ شد

چادر رنگی به سر دارد و دست‌به‌کمر، کنار در خانه‌اش ایستاده است. دختر کوچکش با مقنعه مدرسه‌از روی جوی وسط کوچ‌می می‌پرد و بازی می‌کند. انتهای کوچ‌شان، یک دبیرستان دخترانه است که برای امتحانات، دختر بزرگش (مانده) تا پنجم بیشتر درس بخواند و او را در سیزده‌سالگی عروس پسر عمه‌اش کرده که ۹سال از او بزرگ‌تر بوده است.

می‌پرسم چرا مانده را در سن کم

عروس کرده‌اند، من من می‌کند، انگار خودتی هم نمی‌داند چرا دخترش را زود عروس کرده است. می‌گوید: بیشتر اهالی مهدی‌آباد دخترهایشان را زود عروس می‌کنند. ما هم همین کار را زدیم، اما حالا خیلی پشیمانم. واقعاً حیف است. دامادم خوب است، اما دخترم چیزی از زندگی متوجه نشد؛ خیلی زود بزرگ شد. حالا مانده هم می‌گوید من را در س عبرت کنید و مینا (دختر کوچک خانواده) را زود عروس نکنید؛ بگذارید درسش را بخواند.

- شوهرم دهن‌بین بود

الله، یکی دیگر از کودکان قربانی است که در هفده‌سالگی عقد کرده و یک سال بعد هم جدا شده است. می‌گوید: شوهرم را درادور می‌شناختم. پسر خوبی بود. کار هم داشت، اما مشکلش، دهن‌بینی بود. حتی برای آب خوردن هم از مادرش اجازه می‌گرفت. در این یک سال که باید دوران شیرینی برای هر زن و شوهری باشد، کار ما فقط دعوا بود. دست‌اخر هم از جا جدا شدم. حالا چندسالی می‌شود که الهه دست‌خوش شده است. اما مشکلش فقط به اینجا ختم نمی‌شود. پدرش مصرف‌کننده مسودا مخدر است و محیط خانه‌شان پر از تنش و تشنج. مدتی پیش دعوایی بین الهه و پدرش اتفاق می‌افتد و درنهایت پدر، او را از خانه بیرون می‌کند. الهه از آن روز دیگر خانه نرفته و به گفته خودش با یکی از دوستانش خانه گرفته است.

مادر الهه می‌گوید: دخترم از وقتی با بست و گفت: دیگر کتاب‌هایت را بگذار کنار. قرار است خانم شوی و عروست کنیم. نمی‌دانم از ترس یا از نفهمیدن اینکه چه باید بگویم، فقط گوت‌هایم خیس شدند. شوری که دهنم را قورت دادم، نه آن شب، که تمام شب‌هایی که از آن به بعد شروع شدند. خیلی زود سر‌تو مراسم عقد و عروسی را به هم آوردند. خواستگار، فامیل مادرم از مشهد بود و مادرم چون یک عمر آرزوی زندگی در شهر را داشت اما در روستا مانده بودیم،

را داشتیم.

پسردایی‌یکبارش ازدواج کرده، اما بعد مشخص شده که شوهرش معتاد است.

معصومه ادامه می‌دهد: وقتی پسر

معتاد از آب درمی‌آید، بهتر است که

طلاق بگیرند. بروند سر خانه و زندگی

و بچه هم بیاورند، خوب است!!

معصومه می‌گوید: اینجا، دخترها از کودک خواستگار دارند و خانواده‌ها هم تحقیق آن‌چنانی نمی‌کنند. فریبنا، دختر چهارده‌ساله‌ام که فقط‌تا چهارم درس خوانده است، خواستگار دارد، اما پدرش جواب نمی‌دهد چون از زندگی دختران

ثبت نکردن ازدواج و طلاق، جرم است

عضو هیئت‌مدیره کانون زنان حقوق‌دان سورا

بخواهند به مرحله طلاق برسند، باید زوجیت خود را در دادگاه و با شهادت شهود ثابت کنند. ضمن اینکه اگر بر گه‌ای نیز که در خانواده‌های ایرانی رسم است که داماد آن را امضا کند داشته باشند، می‌توانند به‌عنوان سند به داد‌گاه ارائه بدهند. قدم سوم نیز طلاق است. بسیاری از اوقات این دختران ازسوی شوهرانشان ترک می‌شوند. درست است که سند رسمی موجود نیست، اما به‌رحال این دختران در علقه زوجیت مردان بوده‌اند، حتی به‌عنوان صیغه. به همین دلیل از نظر شرعی نمی‌توانند پیش از طلاق با فرد دیگری ازدواج کنند.

وی ادامه می‌دهد: اگر دختران باردار شوند، مشکل شناسنامه بچه‌ها نیز افزوده می‌شود. با سند صیغه‌نامه می‌توان برای بچه‌ها شناسنامه گرفت، اما در این موارد صیغه‌نامه‌ای هم موجود نیست و به همین دلیل دختران باید فرزند اخذ حکم رشد، اثبات زوجیت و الزام اداره ثبت احوال برای صدور شناسنامه را طی کنند.

- اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

صدقی می‌گوید: اولین قدم برای حل این مشکل، اقدامات فرهنگی و آموزشی است؛ زیرا اگر قانون را اصلاح کنیم و اقدامات آموزشی از طریق مدارس، سازمان‌های مردم‌نهاد، صداوسیما و شهرداری‌ها صورت بگیرد، با اینکه اصلاح قانون می‌تواند تأثیر مثبتی داشته باشد، اما به‌دلیل نبود اقدامات آموزشی، کاربرد نهایی خود را نمی‌توانست داشته باشد. ممنوعیت ازدواج دختران کمتر از ۱۳سال توسط کمیسیون قضایی مجلس رد شد، اما نباید تلاش برای آگاه کردن مردم درباره مضرات ازدواج زودهنگام کودکان ققیم بماند تا خود مردم خواهان اصلاح قانون شوند. باید بدانیم همیشه قانون، واکن آخر قطار تغییرات در جامعه است. ابتدا باید تغییرات در بطن جامعه صورت بگیرد و وقتی به سطحی برسد، قانون‌گذار تغییر را اعمال می‌کند.

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

کودکان بیوه در ازدواج دوم هم حق انتخاب ندارند

اظهارات دکتر کامیل احمدی، پژوهشگر اجتماعی درباره ازدواج کودکان

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

کودک‌همسری، مشکلی است که بعداز طلاق ممکن است تشدید شود و مشخص نیست بعداز طلاق در سنین پایین، چه‌چیزی درانتظار این کودکان است؛ آینده‌ای مهیم یا ازدواج ناموفقی دیگر. مردم‌شناس و پژوهشگر اجتماعی در پاسخ به شهرآرا، با اشاره به اینکه بر طبق یک قاعده علمی و جهانی، ازدواج‌های کمتر از سن ۱۸سال، ازدواج‌های چندان پایداری نیستند، می‌گوید: به‌خلاف نظر به مخالفان ازدواج کودکان که معتقدند ازدواج کمتر از ۱۸سال، استقامت و پایداری بیشتری دارد، احتمالاً ازدواج‌های این‌چنینی به طلاق کشیده نمی‌شود، مؤلفه‌های استقلال برای نارضایتی و اعتراض را ندارد؛ یعنی در یک چارچوب سنتی مجبور به قبول شرایط و وضعیت موجود می‌شوند. دکتر کامیل احمدی بیان می‌کند: اما‌ها حاکی از این هستند که ریسک‌پذیری و سوق‌یافتن به‌سمت طلاق در این ازدواج‌ها بیشتر است. معمولاً ازدواج دختران کمتر از ۱۸سال و به‌ویژه ۱۵سال در یک چارچوب سنتی، جامعه‌روستایی و حومه شهری اتفاق می‌افتد و در اکثر آن‌ها اولین خواست خانواده‌ها به‌ویژه خانواده شوهر از توعروس این است که سریع‌ترزندی به دنیا آورد. وی ادامه می‌دهد: در واقع خانواده‌ها سن باروری را از لحاظ سنتی این‌طور درنظر می‌گیرند که بعد از ازدواج بهتر است یک بچه دنیا بیاید تا دختر و پسر سرگرم زندگی شوند. همچنین اعتقاد دارند هرچه سن دختر کمتر باشد، می‌تواند فرزندآوری بیشتر و بهتری داشته باشد؛ درحالی‌که یافته‌های علمی و پزشکی نوین امروز نشان می‌دهد که تبعات زایمان در سنین کودکی برای مادر و بچه بیشتر است.

احمدی می‌گوید: درصد طلاق در این‌گونه ازدواج‌ها معمولاً زیاد است و این افراد در سنین کم ممکن است وارد چرخه طلاق شوند. یک دوره طولانی کشمکش خانوادگی و مشکلات فراوان روانی، جسمی و جنسی دارند و بعد از فروپاشی زندگی‌شان، دختر بچه‌ای که بیوه شده است به‌همراه بچش، به خانه پدری برمی‌گردد. این افراد درصورت نداشتن خانواده، مشکلات بیشتری خواهند داشت؛ به‌طور طبیعی، این دختران به خانواده پدری برمی‌گردند و خانواده‌ها در چارچوب سنتی برای حفظ آبرو، دختر نوجوان خود را به‌سمت ازدواج دوم سوق می‌دهند. این مردم‌شناس اضافه می‌کند: معمولاً



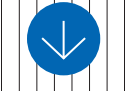
روزنامه شهروانمید وزنگی

شنبه

۳۳۷ دی ۱۳۹۷

شماره: ۲۲۲۷

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد



● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد

● اصلاح قانون بدون فرهنگ، راهی به پیش نمی‌برد